



دانشگاه‌های ایران در دوره پساجنگ

اسفندماه سال ۱۴۰۴ کشور ما با یکی از خطرناک‌ترین وقایع تاریخ خود مواجه شد: در حالی که طی دو قرن اخیر، تهاجمات متعددی به این آب و خاک اتفاق افتاده بود (روسیه تزاری در جنگ قفقاز، بریتانیا در جنگ هرات، روسیه و عثمانی در جنگ جهانی اول، شوروی و انگلیس در جنگ جهانی دوم و عراق در جنگ تحمیلی) این بار دو قدرت بزرگ نظامی (آمریکا و اسرائیل) به همراه متحدان منطقه‌ای متعدد خود به ما هجوم آوردند و ای بسا که باز هم ممکن بود مورد فروپاشی و تجزیه قرار گیریم. اما آن اتفاق سیاه، این بار روی نداد و به لطف پایداری فرزندان این آب و خاک، حماسه‌ای غرورآفرین خلق شد که می‌تواند مبدأ دوره جدیدی در تاریخ ایران و منطقه آسیای غربی باشد.

اکنون و در این دوره جدید، چشم‌انداز جدیدی فراروی مردم ما گشوده شده که سرشار از فرصت‌ها و در عین حال، سختی‌ها و مشکلات ناشی از تحریم طولانی و نیز جنگی ویرانگر است. صحبت در این مورد، فراوان است و موضوع این سرمقاله صرفاً چشم‌انداز دانشگاهی است. دانشگاه‌های ما از سویی با آسیب ناشی از حملات هوایی مواجه شده‌اند و نیز منابع مالی آنها به شدت تحلیل رفته است و از سوی دیگر، با توقع فزاینده‌ای برای حل مشکلات جاری و نیز رقابت پایاپای فناورانه با قدرت‌های بزرگ جهانی مواجه شده‌اند. در چنین شرایطی، آنان اولاً باید به تدوین برنامه‌ای فوری برای تداوم فعالیت‌های معمول خود بپردازند، ثانیاً طی برنامه‌ای کوتاه‌مدت برای افزایش کارایی و کاهش هزینه‌های خود اقدام کنند و ثالثاً نگاهی بلندمدت برای توسعه فناوری‌های راهبردی و ارتقاء جایگاه علمی کشور داشته باشند.

روند تحولات جمعیتی جامعه ما در سال‌های اخیر باعث شده که ظرفیت‌های خالی زیادی در آموزش عالی ایجاد شود. رشد تورم نیز هر سال بخشی از توان مالی دانشگاه‌ها را بلعیده است. انگیزه‌های علمی جوانان کاهش یافته و سلیقه آنان تغییر کرده است. در چنین شرایطی، نوآوری‌های سیاستی عمیقی لازم است تا بتوان با اتفاقات و شرایط دوره پساجنگ مواجه شد، اما می‌دانیم که مقاومت نهادی در دانشگاه‌های ایران و البته همه دنیا، بیش از سایر سازمان‌هاست و هر گونه نوآوری سازمانی با مقاومت‌های سنگین مواجه خواهد شد. لذا پارادوکس پیچیده‌ای در مقابل مدیران دانشگاهی ماست.

از طرف دیگر، بخش‌های علمی و تحقیقاتی غیردانشگاهی کشور، به ویژه در بخش دفاع، آسیب بسیار بیشتری دیده‌اند و احتمالاً بار فعالیت‌های پژوهش و فناوری آنها نیز بر دوش دانشگاه‌ها خواهد افتاد که البته می‌تواند فرصت توسعه‌ای خوبی برای بخش آموزش عالی فراهم کند.

به هر حال، هر چند آینده کشور تا حد زیادی وابسته به سیاست‌های سطح کلان و حکومتی است، اما مدیران دانشگاهی هم می‌توانند با اتخاذ سیاست‌های مناسب با این آسیب‌ها، توقعات، تهدیدها و فرصت‌های پساجنگ مواجهه متفکرانه داشته باشند و تأثیرات سازنده‌ای حاصل کنند، اما پیش شرط اول چنین چیزی، قبول این پیش فرض است که شرایط پساجنگ نسبت به قبل از آن، تفاوت خیلی زیادی کرده است و تداوم خطی روندهای قبلی، ما را به جایی نخواهد رساند.